

ارزیابی کیفی نقش آموزش کارآفرینی اجتماعی بر ارتقاء شاخص‌های توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری علامه طباطبائی و علم و فرهنگ

نوشین کوشک نوئی^۱، ساسان ودیعه^۲، امیرمسعود امیرمظاهری^۳

۱- نویسنده مسئول*، گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: N.koushknoui@iaui.ir

۲- گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Sasanvadiea@iauctb.ac.ir

۳- گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: A.amirmazaheri@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ انتشار: کلید واژه‌ها: آموزش‌های کارآفرینی، پارک‌های علم و فناوری، توسعه اقتصادی، کارآفرینی اجتماعی	هدف پژوهش: این پژوهش به بررسی نقش آموزش کارآفرینی اجتماعی بر توسعه اقتصادی در پارک‌های علم و فناوری دانشگاه علم و فرهنگ و دانشگاه علامه طباطبائی می‌پردازد. هدف این تحقیق تحلیل اثرات آموزشی بر توسعه اقتصادی، شناسایی مکانیزم‌های انگیزشی مؤثر و ارزیابی اعتبار اجتماعی دوره‌ها و تحلیل آثار و تغییرات محیطی ناشی از آن است. کارآفرینی اجتماعی با ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش فقر و توانمندسازی جوامع، نقش حیاتی در توسعه پایدار ایفا می‌کند. به همین دلیل، بررسی تأثیرات آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری که به‌عنوان بسترهای کلیدی برای حمایت از استارت‌آپ‌ها و نوآوری‌های اجتماعی محسوب می‌شوند، ضروری است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا نتایج آن می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌ها و طراحی دوره‌های آموزشی در پارک‌های علم و فناوری کمک کند. روش پژوهش: این پژوهش از رویکرد کیفی از نوع تحلیل تماتیک استفاده کرده و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۰ متخصص حوزه پارک‌های علم و فناوری جمع‌آوری شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا و از طریق مراحل کدگذاری اولیه، طبقه‌بندی کدها و تحلیل تماتیک انجام گرفته است. یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهند که آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی از طریق تقویت تعاملات گروهی و ارائه بازخوردهای مؤثر، انگیزه کارآفرینان را افزایش می‌دهد و روحیه نوآوری و توسعه زیرساخت‌های حمایتی را بهبود می‌بخشد. همچنین، این آموزش‌ها منجر به افزایش آگاهی اجتماعی و ارتقای اعتبار کارآفرینان می‌شود و فرصت‌های شغلی جدید و سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند. نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی اجتماعی نه تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه بر بهبود شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیرگذار است. پیشنهاد می‌شود که دوره‌های آموزشی متناسب با نیازهای واقعی کارآفرینان طراحی شده و حمایت‌های مالی و مشاوره‌ای افزایش یابد. تقویت تعاملات بین دانشگاه، صنعت و نهادهای دولتی و همچنین افزایش دسترسی به منابع مالی از الزامات کلیدی برای توسعه کسب و کارهای اجتماعی به شمار می‌آید.

استناد: کوشک نوئی، ن. و ودیعه، س. امیرمظاهری، ا.م. (۱۴۰۴). ارزیابی کیفی نقش آموزش کارآفرینی اجتماعی بر ارتقاء شاخص‌های توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری علامه طباطبائی و علم و فرهنگ، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۴(۱)، ۱۵۴-۱۳۶. تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع 4 CC BY است.



[10.22034/jeds.2025.66341.1858](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.66341.1858)

مقدمه

پارک‌های علم و فناوری به عنوان یکی از نهادهای کلیدی در زیست‌بوم نوآوری، نقش مهمی در ارتقا توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند. این مراکز با ارائه زیرساخت‌های حمایتی، خدمات مشاوره‌ای، فضاهای کاری مناسب و اتصال میان دانشگاه، صنعت و دولت، زمینه را برای تجاری‌سازی ایده‌ها، افزایش بهره‌وری، اشتغال‌زایی و ایجاد شرکت‌های فناور فراهم می‌سازند. بر اساس یافته‌های پژوهشی، این نهادها موتور محرک اقتصاد دانش‌بنیان محسوب می‌شوند و از طریق تدوین و اجرای سیاست‌های حمایتی، می‌توانند به توسعه منطقه‌ای و ملی کمک کنند (سقای و همکاران، ۱۴۰۳).

مطالعات متعددی در ایران به توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، عزیزی و افراخت (۱۳۹۹) در بررسی پارک علم و فناوری سیستان و بلوچستان، نشان داده‌اند که این پارک‌ها می‌توانند نقش مؤثری در اشتغال‌زایی، به‌ویژه برای زنان روستایی، ایفا کنند. فضلی (۱۳۹۹) نیز در مطالعه‌ای بر پارک علم و فناوری گیلان، بر اهمیت این نهادها در رشد شرکت‌های فناور و تسریع فرایند تجاری‌سازی علم تأکید دارد. همچنین ادیب و همکاران (۱۴۰۲) در شهر جدید پردیس، زیرساخت‌های اقتصادی و مدیریتی را از ارکان اصلی موفقیت شرکت‌های مستقر در پارک‌ها می‌دانند.

باوجود ظرفیت‌ها و دستاوردهای یادشده، پارک‌های علم و فناوری در ایران با چالش‌هایی نیز مواجه‌اند که گاه مانع تحقق کامل اهداف توسعه اقتصادی آن‌ها می‌شود. پژوهش شریعت‌نژاد (۱۴۰۳) نشان می‌دهد که کمبود منابع مالی با نرخ سود متناسب و همچنین تأخیر در تأمین مالی قراردادهای منعقد شده با دولت، از چالش‌های اصلی شرکت‌های مستقر در پارک‌های علم و فناوری هستند.

در مطالعه زندآزند و همکاران (۱۴۰۳) نیز به چالش‌های مربوط به فرایندهای اجرایی هنگام پذیرش در پارک و همچنین موانع ناشی از محیط بیرونی پارک‌ها مانند بروکراسی اداری، عدم بهره‌مندی از معافیت‌ها و بی‌ثباتی فضای کسب‌وکار اشاره شده است.

مطالعه فرتاش و همکاران (۱۴۰۱) نیز محدودیت‌هایی از قبیل موانع مالی، عدم تخصیص یا امکان انتقال ارز برای واردات تجهیزات مورد نیاز، و مشکلات مرتبط با قوانین و مالکیت فکری را از موانع اساسی رشد شرکت‌های فناور در کشور معرفی کرده است. همین‌طور که رئیس پارک علم و فناوری دانشگاه علامه طباطبائی هم در این باره گفته است: نبود قوانین مالکیت فکری در حوزه علوم انسانی را یکی از چالش‌های پارک علامه طباطبائی است و اظهار داشت: در حوزه علوم انسانی فعالیت می‌کنیم برای این که از مالکیت فکری حمایت شود، نیازمند قوانین و مقرراتی هستیم چرا که به لحاظ قانونی در حال حاضر با محدودیت‌هایی روبرو هستیم. استادی که در دانشگاه علامه طباطبائی در حوزه علوم انسانی فعالیت می‌کند، طرح و ایده خود را نتواند ثبت اختراع کند، نمی‌تواند فناوری خود را به فروش برساند.

همچنین در مطالعه قاسمی و همکاران (۱۳۹۷)، نبود یک چارچوب حقوقی جامع و منسجم برای حرکت به‌سوی اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان یکی از خلأهای مهم در مسیر توسعه پارک‌های علم و فناوری مطرح شده است.

در پاسخ به این موانع و در مسیر توسعه پایدار، آموزش کارآفرینی اجتماعی می‌تواند نقش مکمل و مؤثری ایفا کند. کارآفرینی اجتماعی رویکردی نوین برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که به جای تمرکز صرف بر سود اقتصادی، در پی ایجاد ارزش اجتماعی از طریق فعالیت‌های کارآفرینانه است (یگانی، ۱۴۰۳). در دهه‌های اخیر، تحولات چشمگیری در نگرش‌ها نسبت به توسعه اقتصادی به وقوع پیوسته است. رویکردهای نوینی به کسب‌وکار شکل گرفته که کارآفرینی اجتماعی به عنوان یک استراتژی مؤثر برای تحقق این توسعه و حل مسائل پیچیده جامعه، به‌ویژه در مناطق علم و فناوری، برجسته شده است. پارک‌های علم و فناوری به عنوان نهادهایی که تعامل میان دانشگاه، صنعت و دولت را تسهیل می‌کنند، نقشی کلیدی در توسعه فناوری و کسب‌وکارهای نوآورانه ایفا می‌کنند (رضایی صدرآبادی، ۱۳۹۹).

برنامه‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی، باهدف توانمندسازی افراد برای تبدیل ایده‌های اجتماعی به کسب‌وکارهای پایدار، طراحی می‌شوند. این آموزش‌ها می‌توانند به ارتقای مهارت‌های حل مسئله، تفکر سیستمی، و رویکردهای نوآورانه در

پاسخ به نیازهای اجتماعی کمک کنند. کشورهای پیشرفته نیز باتکیه بر آموزش‌های مهارتی و کارآفرینانه، به دنبال گسترش اشتغال پایدار و خلق فرصت‌های جدید برای نسل جوان هستند (ایزدیان، ۱۳۸۹).

در این راستا، آموزش کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری به عنوان ابزاری حیاتی برای تربیت نیروهای کارآفرین و نوآور اهمیت دارد و افراد را به سمت کسب و کارهای اجتماعی هدایت می‌کند. این آموزش‌ها به افراد مفهومی نوین از کارآفرینی را معرفی می‌کنند که در آن ارزش‌آفرینی اقتصادی و اجتماعی به طور هم‌زمان محقق می‌شود (مایر و مارتی^۱، ۲۰۰۶). در دنیای کنونی، ساختار اقتصادی جهانی با چالش‌های پیچیده‌ای مواجه است که نیازمند تغییر پارادایم از اقتصاد مبتنی بر سرمایه به اقتصاد دانش‌محور است. توسعه پایدار، امروزه بر پایه نوآوری، خلاقیت و استفاده بهینه از دانش استوار است (سلیمانی، ۱۳۹۱). نوآوری به عنوان یکی از اساسی‌ترین اجزای جریان توسعه اقتصادی به حساب می‌آید و توسعه اقتصادی پایدار از طریق تغییرات فناورانه پویا که به وسیله سیستم‌های نوآوری کارا و مؤثر حمایت می‌شوند، محقق می‌شود (مورین و رافرتی^۲، ۲۰۰۶).

توسعه فعالیت‌های اقتصادی به معنای فرایند کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها برای خلق ارزش است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و نقش ارزنده‌ای در ایجاد اشتغال پایدار، بهبود عدالت اجتماعی و کاهش فقر ایفا می‌کند؛ بنابراین، توسعه کارآفرینی به عنوان یک استراتژی مؤثر برای حل مسائل اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود. کارآفرینی، به معنای کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها برای ایجاد ارزش در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اساس توسعه همه‌جانبه تلقی می‌شود و تمامی کشورها کارآفرینی را به عنوان یکی از عوامل رشد اقتصادی می‌دانند (خوارزمی، ۱۳۹۳). آموزش کارآفرینی به برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که دانش و آگاهی از کارآفرینی را برای اهداف حرفه‌ای افزایش می‌دهند و مهارت‌هایی را فراهم می‌کنند که به افراد امکان می‌دهد با اعتماد به نفس و آگاهی از فرصت‌ها، توانایی رهااندازی یک کسب و کار جدید را کسب کنند (غلام‌پور، ۱۳۹۱). استفاده از اصطلاحات کارآفرینی اجتماعی به طور متداول در ایران و در سطح بین‌المللی، به تازگی رواج یافته است. این مفهوم با فرایند رفع نیازهای اجتماعی انسان‌ها ارتباط نزدیکی دارد و ریشه‌های تاریخی در محرک‌های کارآفرینانه برای رفع این نیازها دارد. با افزایش مشکلات اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، کارآفرینی اجتماعی به عنوان یک راهکار مؤثر برای حل مسائل اجتماعی و ایجاد ارزش اجتماعی اهمیت بیشتری یافته است (عزیزی و ملاجردی، ۱۳۹۶). کارآفرینی اجتماعی به تلاش‌های نوآورانه یک فرد یا گروه از افراد برای ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی و محلی اشاره دارد. این گروه از کارآفرینان به دنبال پاسخگویی به نیازهای جامعه، بهینه‌سازی منابع اقتصادی و استفاده حداکثری از توان انسانی هستند و در این زمینه مسئولیت اجتماعی خود را در پرتو تحولات سریع جامعه به نمایش می‌گذارند (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴).

تحقیقات نشان می‌دهد که کارآفرینان اجتماعی نه تنها در ایجاد ارزش‌های اجتماعی مؤثرند، بلکه توانایی کسب سود مالی را نیز دارند (مریدی‌السادات و همکاران، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، موفقیت کسب و کارهای اجتماعی با در نظر گرفتن حجم سرمایه‌گذاری و گسترش افراد و گروه‌های بهره‌مند از نتایج اقتصادی آن سنجیده می‌شود (ریدلی داف^۳، ۲۰۰۸).

این پژوهش با تمرکز بر دو پارک علم و فناوری دانشگاه علم و فرهنگ و دانشگاه علامه طباطبائی، به بررسی کیفی نقش آموزش کارآفرینی اجتماعی در توسعه اقتصادی می‌پردازد. هدف این تحقیق، تحلیل نقش آموزش کارآفرینی اجتماعی بر توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری است. به منظور نیل به این هدف، اهداف فرعی شامل شناسایی مکانیزم‌های انگیزشی اثربخش دوره‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی، بررسی اعتبار اجتماعی این دوره‌ها و تحلیل آثار و تغییرات محیطی ناشی از آن‌ها بر توسعه اقتصادی مدنظر قرار گرفته است.

سؤال تحقیق این است که آموزش کارآفرینی اجتماعی چه نقشی در توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری دارد؟ در ادامه سؤالات نیز به بررسی مکانیزم‌های انگیزشی، اعتبار اجتماعی و آثار محیطی این آموزش‌ها می‌پردازند. باتوجه به نقش کلیدی این پارک‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی، این پژوهش به دنبال تحلیل آموزش کارآفرینی اجتماعی بر توسعه اقتصادی است. در این پژوهش با تمرکز بر شاخص‌های مشخص توسعه اقتصادی شامل: (۱) ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، (۲) رشد سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، (۳) تجاری‌سازی محصولات و خدمات نوآورانه، و (۴) توسعه و افزایش تعداد شرکت‌های فناور موفق، به بررسی نقش دوره‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری پرداخته شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران پارک‌های علم و فناوری در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مؤثر کمک کند و به تقویت نقش کارآفرینی اجتماعی در توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی کشور منجر شود. از این رو، بررسی زوایای ناشناخته این مبحث بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند زمینه‌ساز فعالیت‌های آینده نظام آموزشی و اقتصادی کشور باشد.

ادبیات پژوهش

در تحلیل پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی، نظریه‌ها ابزارهایی قدرتمند برای درک عمیق‌تر روابط بین محورها و تبیین رفتارهای انسانی و سازمانی هستند. نظریه‌ها چارچوب‌های تحلیلی ارائه می‌دهند که به محققان کمک می‌کنند تا پدیده‌های پیچیده را در قالب الگوهای قابل فهم بررسی کنند. این چارچوب‌ها نه تنها به سازمان‌دهی دانش موجود کمک می‌کنند، بلکه مسیر را برای کشف روابط جدید و ارائه تفسیرهای عمیق‌تر هموار می‌سازد. برایمن و بل^۱، ۲۰۱۵ در پژوهش حاضر، مجموعه‌ای از نظریه‌های معتبر به منظور جهت‌دهی به فهم پدیده مورد بررسی و غنای تحلیل‌ها به کار گرفته شده‌اند. هدف از بهره‌گیری از این نظریه‌ها، فراهم ساختن بینشی عمیق نسبت به ابعاد مختلف آموزش کارآفرینی اجتماعی و تحلیل پیامدهای آن در پارک‌های علم و فناوری ایران بوده است. این نظریه‌ها شامل نظریه انگیزه پیشرفت مک‌کلند^۲، مدل کارآفرینی اجتماعی ویراواردانا^۳ و مورت^۴، نظریه تخریب خلاق شومپتر^۵ و دیدگاه ساختاری - کارکردی تالکوت پارسونز^۶ هستند.

نظریه مک‌کلند^۲ (۱۹۸۷) بر اهمیت انگیزه پیشرفت و آموزش‌پذیری آن تأکید دارد. وی بر این باور است که افراد با انگیزه پیشرفت بالا، تمایل به فعالیت‌هایی دارند که چالش برانگیز اما قابل دستیابی باشند و بازخوردهای قابل ارزیابی دریافت کنند. مک‌کلند همچنین تأکید می‌کند که انگیزه پیشرفت صرفاً ذاتی یا دوران کودکی نیست، بلکه می‌توان آن را از طریق آموزش‌های ساختاریافته توسعه داد. از این منظر، آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی می‌توانند با استفاده از روش‌هایی مانند بازخورد سازنده، الگوسازی، اعتماد به نفس‌افزایی و فعالیت‌های گروهی، در جهت تقویت انگیزه‌های درونی کارآفرینان مؤثر واقع شوند. از این نظریه، بینشی برای تحلیل مقوله‌های انگیزشی استخراج شده که در داده‌های مصاحبه‌ها نیز بارز بود.

مدل ویراواردانا و مورت، به بررسی مؤلفه‌هایی مانند محیط، رسالت اجتماعی و ماندگاری سازمان در رفتار کارآفرینی اجتماعی می‌پردازد (عمرانی، ۱۳۹۵). بر اساس این مدل، کارآفرینی اجتماعی نه تنها نیازمند نوآوری و ریسک‌پذیری است، بلکه باید در بستر یک اکوسیستم حمایتی و با مأموریت اجتماعی پایدار صورت گیرد. این دیدگاه به پژوهش حاضر کمک کرد تا آثار محیطی آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی را نه فقط به عنوان بهبود زیرساخت‌ها، بلکه به عنوان ابزاری برای ایجاد تعاملات بین‌نهادی، تقویت فرهنگ نوآوری و ایجاد زمینه برای ماندگاری کسب و کارهای اجتماعی در نظر بگیرد.

در نظریه شومپتر^۵، کارآفرین با ناپایداری و تغییرات مداوم اقتصادی مواجه است و فرایند از بین رفتن برخی مشاغل و صنایع را بخشی از «توفان شومپتری» می‌داند (شینگا و شریف^۹، ۲۰۲۰). نوآوری به عنوان نیروی محرکه، سودآوری و

1. Bryman & Bell
2. McClelland
3. Weerawardena
4. Mort
5. Schumpeter
6. Talcott Parsons
7. McClelland
8. Schumpeter
9. Xinga & Sharif

انباشت سرمایه را افزایش داده و هم‌زمان فعالیت‌های اقتصادی موجود را که دیگر توان رقابت ندارند، کنار می‌زند و چرخه تخریب خلاق را تداوم می‌بخشد (میشل^۱، ۲۰۱۳). به باور شومپیتر، هدف کارآفرینان ایجاد فناوری‌ها و محصولات کاملاً جدید است که تغییرات بنیادین در بازار ایجاد می‌کند (ولی‌محمدی، ۱۳۹۴). بدین ترتیب، نوآوری به‌عنوان موتور رشد اقتصادی، صنایع قدیمی را جایگزین کرده و پویایی بازار را حفظ می‌کند (ترکاشوند، ۱۴۰۰). بر پایه این نظریه، آموزش‌هایی که منجر به خلق محصولات یا خدمات جدید می‌شوند، می‌توانند به‌طور غیرمستقیم در پویایی بازار و توسعه اقتصادی اثرگذار باشند. این نظریه‌ها برای تحلیل تأثیر اقتصادی آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی در این پژوهش الهام‌بخش بوده‌اند.

در نهایت، نظریه ساختی -کارکردی پارسونز (و بخشی از دیدگاه بامول^۲) با تأکید بر ضرورت تعامل میان نظام‌های اجتماعی، به‌ویژه نهادهای آموزشی و اقتصادی، زمینه‌ساز تحلیل اعتبار اجتماعی پارک‌های علم‌وفناوری شد. پارسونز بر این نکته تأکید دارد که تعادل جامعه در گرو پیوند و هماهنگی بین خرده‌نظام‌هاست. بنابراین، آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی در این پژوهش نه تنها به‌عنوان فرایند انتقال مهارت، بلکه به‌عنوان ابزاری برای پیوند میان نهادهای مختلف (دانشگاه، صنعت، دولت و جامعه) و ارتقای سرمایه اجتماعی پارک‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بدین ترتیب، نظریه‌های به‌کاررفته در این پژوهش چارچوبی تحلیلی فراهم کردند که به فهم و تبیین ابعاد مختلف آموزش کارآفرینی اجتماعی یاری رساندند. این نظریه‌ها به شکل‌گیری جهت‌گیری تحلیلی، انتخاب ابعاد مفهومی اولیه و تفسیر داده‌های کیفی کمک شایانی کرده‌اند.

پیشینه تجربی تحقیق

مطالعات در حوزه کارآفرینی اجتماعی و توسعه اقتصادی نشان می‌دهد که کارآفرینی، به‌ویژه کارآفرینی اجتماعی، نقش کلیدی در رشد اقتصادی و حل مسائل اجتماعی ایفا می‌کند. زالی، رئیس دانشکده کارآفرینی، در نشست خبری دومین جشنواره تجلیل از رهبران کارآفرینی، کارآفرینی را یک‌رشته علمی و موتور رشد اقتصادی دانست و افزود که پیشرفت کشورها مدیون کارآفرینی رهبران بزرگ است. او بر اهمیت توانمندسازی دانشجویان و معرفی الگوهای برتر کارآفرینی برای افزایش حضور کارآفرینان در اقتصاد تأکید کرد.

شمس‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه کارآفرینی و خلاقیت با میزان تحصیلات در کارکنان پارک‌های علم‌وفناوری شهرستان شیراز" به این نتایج رسیدند که بین کارآفرینی و خلاقیت پیوند قابل درک وجود دارد و این ارتباط از نوع مستقیم و خطی است. بین کارآفرینی و خلاقیت با میزان تحصیلات رابطه ادراک شده وجود دارد و کارآفرینی و خلاقیت در کارکنان با میزان تحصیلات بالاتر بیشتر است و از طرفی بین هر ۴ بعد خلاقیت (سیال، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط) با کارآفرینی همبستگی مثبت وجود دارد. همان‌طور که در تحقیقات انجام شده در زمینه خلاقیت و کارآفرینی و ویژگی‌های کارآفرینان (داشتن پشتکار، انگیزه بالا برای پیشرفت و...) نشان داده شده است، انگیزه پیشرفت حلقه مهمی برای خلاقیت و کارآفرینی است (حسینی‌لرگانی، ۱۳۸۷ و عزیزی، ۱۳۸۴).

ایران پتانسیل کارآفرینی بالایی دارد، اما بیشتر فعالیت‌ها از نوع اقتصادی است و میزان کارآفرینی اجتماعی در کشور بسیار کم و حتی کمتر از یک درصد است. کارشناسان بر این باورند که ایران کشور خوبی برای کارآفرینی است و باوجود فرصت‌های تجاری زیاد، راه‌اندازی کسب‌وکار موفق دشوار است. همچنین، تدریس کارآفرینی در دانشگاه تهران از سال ۱۳۸۹ آغاز شده و دولت در نظر دارد سالیانه ۱۰۰ هزار نفر را در این رشته آموزش دهد. با این حال، کمبود آموزش‌دهندگان کارآفرینی وجود دارد و انتظار می‌رود دانشجویان به سرعت به آموزش‌دهندگان تبدیل شوند (جلالیان، ۱۳۹۱).

سلیمانی (۱۳۹۱) در یک مقاله در مورد "پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری ایران" با تأکید بر رویکرد جهانی بیان کرد که توسعه، گسترش و حمایت جامع سیاست‌گذاران و مسئولان برای ایجاد پارک‌ها و مراکز رشد علمی و فناوری نه تنها نیاز به اتخاذ شیوه‌های نوین مدیریتی دارد؛ بلکه باید تمام بسترها نیز برای دستیابی به اهداف مدنظر فراهم شود. حذف شکاف‌های موجود بین دانشگاه‌ها و بخش‌های دیگر همچون صنعت، کشاورزی و بهداشت، همچنین تسهیل در روند انتقال فناوری و دانش از طریق این گونه مراکز، توسعه اقتصادی دانش‌محور را تسریع خواهد کرد. پارک‌های علم و فناوری به عنوان واحدهای تحقیق و توسعه، می‌توانند بسیاری از مشکلات موجود را حل کنند و وضعیت را بهبود بخشند. این یافته بر نقش کلیدی آموزش و انتقال دانش در پارک‌های علم و فناوری تأکید دارد که می‌تواند به تسریع رشد اقتصادی دانش‌بنیان منجر شود.

گل محمدزاده (۱۳۹۲) با عنوان پژوهشی "تبیین اثر توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه بر افزایش کارآفرینی در تهران (مطالعه موردی پارک علم و فناوری دانشگاه تهران)" نتایج نشان داد که توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه با تأثیر بر توسعه شرایط اقتصادی و امکانات لازم کارآفرینان، تسهیل قوانین و سیاست‌های بین‌المللی، توسعه زیر ساخت اجتماعی و از طرفی نقش ویژه بر ویژگی‌های فردی کارآفرینان می‌تواند باعث پیشرفت کارآفرینی در کشور شود. این مطالعه نشان می‌دهد که تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت، زیرساخت‌ها و شرایط لازم برای رشد کارآفرینی را بهبود می‌بخشد و به توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری کمک می‌کند.

عزیزی و طاهری (۱۳۹۲) مطالعه‌ای با عنوان "بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد و ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران" نشان داد که شرکت در کلاس‌های کارآفرینی عزم و میل برای کارآفرین شدن را افزایش می‌دهد. این یافته نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی نقش مهمی در تقویت انگیزه و تمایل افراد به فعالیت‌های کارآفرینانه دارد، که می‌تواند به بهبود اثربخشی برنامه‌های آموزشی در پارک‌های علم و فناوری کمک کند و توسعه اقتصادی کارآفرینی اجتماعی را تسریع نماید.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تحلیل وضعیت ترویج کارآفرینی اجتماعی در نظام آموزش عالی ایران" به این نتیجه رسیدند که به کارآفرینی اجتماعی در نظام آموزشی کشور توجهی نمی‌شود و کمتر کسی با این مفهوم آشنا است. این امر ضرورت تقویت آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی را در پژوهش حاضر برجسته می‌کند.

نوبین (۱۳۹۶) با پژوهشی تحت عنوان "بررسی اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی در پارک‌های علم و فناوری شهر مشهد" همچنین نتایج به دست آمده از فرایند تحقیق نشان‌دهنده آن است که دوره‌های برگزار شده در پارک علم و فناوری دارای تأثیر مثبت بوده است. این یافته ضرورت بررسی عمیق‌تر سازوکارهای نقش دوره‌های آموزشی کارآفرینی اجتماعی بر توسعه اقتصادی در پارک‌های علم و فناوری را در پژوهش حاضر تقویت می‌کند.

سجادی (۱۳۹۸) با پژوهش "تأثیر انگیزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینی با نقش تعدیل‌کننده آموزش کارآفرینی" به این نتایج دست یافت که نیت کارآفرینی دانشجویان عمدتاً تحت تأثیر انگیزه آنان است که با مؤلفه‌هایی مانند میل به موفقیت، استقلال‌طلبی، انگیزه‌های اقتصادی بررسی شده است؛ و از طرفی آموزش کارآفرینی نقش تعدیل‌کنندگی بین رابطه انگیزش کارآفرینی و قصد کارآفرینی را ایفا می‌کند. این مطالعه اهمیت نقش آموزش کارآفرینی در تقویت انگیزه‌ها و افزایش قصد کارآفرینی را تأیید می‌کند که به توسعه اقتصادی در پارک‌های علم و فناوری مرتبط است.

شریف روحانی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر روند کارآفرینی اجتماعی بر موفقیت استارت‌آپ‌ها در بحران کووید-۱۹ با تأکید بر شبکه‌های ارتباطی" نشان دادند که گرایش به سمت کارآفرینی اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر موفقیت استارت‌آپ دارد در واقع، کارآفرینان اجتماعی که شبکه روابط قوی‌تری دارند، در شرایط بحرانی موفق‌ترند. این مطالعه نشان می‌دهد که شبکه‌های ارتباطی قوی عامل مهمی در موفقیت استارت‌آپ‌های اجتماعی است؛ مهارتی که می‌تواند از طریق آموزش کارآفرینی اجتماعی تقویت شود. این یافته‌ها اهمیت بعد «آثار محیطی» را در پژوهش حاضر تأیید می‌کند، زیرا آموزش‌ها علاوه بر مهارت‌های فنی، باید بر توانمندسازی ارتباطی و شبکه‌سازی نیز تمرکز داشته باشند.

مارتین^۱ (۲۰۱۰) در یک مقاله با عنوان "کارآفرینی، توزیع درآمد و رشد اقتصادی"، اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی ۲۵ کشور منتخب در دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۰ را بررسی کردند. آن‌ها از شاخص کل فعالیت‌های کارآفرینی (کارآفرینی نوپا) به عنوان

شاخص کارآفرینی استفاده کردند و با استفاده از مدل‌های رگرسیونی و روش آثار ثابت، به این نتیجه رسیدند که کارآفرینی از طریق رونق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد.

ژانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر آموزش بر قصد کارآفرینی دانشجویان" رشته‌های مختلف کارآفرینی از ده دانشگاه مرتبط با کارآفرینی با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده آجن^۲ و مدل رویداد کارآفرینانه Shapero و همچنین نظریه شناخت کارآفرینانه، به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینی تأثیر قابل‌توجه داشته و از امکان‌پذیری کمتری برخوردار است، تعداد دانشجویان که در معرض کارآفرینی قرار گرفته‌اند مردان بالاتر از زنان است. این پژوهش نشان می‌دهد آموزش کارآفرینی انگیزه و قصد کارآفرینی را افزایش می‌دهد که به تحلیل نقش آموزش در توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری کمک می‌کند.

جت‌الحربی^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "تأثیر برنامه‌های آموزش کارآفرینی (EEPs) بر نگرش کارآفرینانه در بین دانشجویان آموزش عالی" با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده (TPB)، این مطالعه باهدف بررسی تأثیر برنامه‌های آموزش کارآفرینی (EEPs) بر نگرش‌ها و نیت کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه عربستان سعودی انجام شد.

سیو تیان^۴ (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان "ارزیابی کیفیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی" به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت این آموزش در دانشگاه‌ها و کالج‌ها پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش‌های تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و ارزیابی جامع فازی (FCE)، مدلی برای ارزیابی کیفیت آموزش کارآفرینی طراحی کردند. نتایج نشان داد که مشارکت دانشجویان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار است. همچنین، دانشجویان بیشترین رضایت را از اساتید و کمترین رضایت را از محیط کارآفرینی داشتند. نتایج این پژوهش به اهمیت ارتقای کیفیت آموزش کارآفرینی، به ویژه با توجه به نقش فعال دانشجویان و بهبود محیط کارآفرینی، اشاره دارد که مستقیماً با تحقیق تأثیر آموزش کارآفرینی اجتماعی بر توسعه اقتصادی در پارک‌های علم و فناوری همسو است.

نتایج نشان داد که قصد خوداشتغالی با نگرش نسبت به خوداشتغالی، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده رابطه مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین، این یافته‌ها ضمن ارائه بینش‌های مفید در مورد وضعیت آموزش کارآفرینی، به برنامه‌ریزان دانشگاهی و دولتی کمک می‌کند تا با ایجاد آگاهی بیشتر کارآفرینی و ایجاد شغل از طریق فعالیت‌های کارآفرینی، به بیکاری جوانان رسیدگی کنند که نقش آموزش کارآفرینی در توسعه اقتصادی نمایان می‌شود.

برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در ایران، نیاز به تقویت آموزش‌های هدفمند، ایجاد شبکه‌های ارتباطی قوی و بهبود تعامل بین صنعت و دانشگاه احساس می‌شود. پارک‌های علم و فناوری می‌توانند نقش کلیدی در تسهیل این تعاملات ایفا کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تقویت انگیزه‌های کارآفرینی، افزایش آگاهی درباره کارآفرینی اجتماعی و ایجاد محیط‌های حمایتی می‌تواند به توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی کمک کند.

با بررسی پیشینه پژوهش‌ها، مشخص می‌شود که علی‌رغم اهمیت آموزش کارآفرینی اجتماعی در توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری، خلأهای پژوهشی در این حوزه وجود دارد. در سطح بین‌المللی، مطالعات بیشتر بر تأثیر آموزش‌های کارآفرینی بر رشد اقتصادی و نوآوری متمرکز شده‌اند، اما تأثیرات خاص آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی بر توسعه پایدار و جامع اقتصادی، به‌ویژه از جنبه‌های محیطی و اجتماعی، کمتر موردتوجه قرار گرفته است. در ایران نیز، اگرچه برخی پژوهش‌ها به تأثیر آموزش‌های کارآفرینی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند، تحقیقات عملیاتی در مورد نقش آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی در توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری و تأثیرات آن بر محیط اجتماعی و اعتبار پارک‌ها محدود است.

با وجود آنکه مطالعات متعددی در زمینه آموزش کارآفرینی و رابطه آن با توسعه اقتصادی انجام شده‌اند، عمده این تحقیقات از رویکرد کمی و سنجه‌های آماری بهره گرفته‌اند. این رویکردها، اگرچه در تبیین روابط بین مضمون‌ها ارزشمند

1. Zhang

2. Ajzen

3. Jatin al-Harbi

4. Siyu Tian

هستند، اما از منظر شناخت عمیق فرآیندهای زمینه‌مند، تجربیات زیسته ذی‌نفعان، و سازوکارهای واقعی تأثیر آموزش، دارای محدودیت‌های جدی‌اند.

خلاً پژوهش‌های پیشین در سه سطح قابل تبیین است:

- غلبه نگاه کمی و عددی بر تجربه زیسته آموزش‌ها: بیشتر مطالعات تمرکز خود را بر بررسی محورهای نظری قصد کارآفرینانه، نگرش یا خودکارآمدی کارآفرینانه قرار داده‌اند و کمتر به این پرداخته‌اند که آموزش‌ها چگونه از نظر اجتماعی، محیطی و روانی بر شرکت‌کنندگان اثر می‌گذارند.

- نادیده گرفتن رویکرد اجتماعی در کارآفرینی: ادبیات غالب کارآفرینی در ایران بیشتر ناظر بر ابعاد اقتصادی یا تجاری است. در حالی که آموزش کارآفرینی اجتماعی، رویکردی جدید در پی ایجاد ارزش اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در کنار ارزش اقتصادی است (اسمیت و وودورث^۱، ۲۰۱۲). این وجه مغفول‌مانده در پژوهش‌های پیشین کمتر به شکل مستقل بررسی شده است.

نمود تحلیل زمینه‌مند در پارک‌های علم و فناوری ایران: بسیاری از پژوهش‌ها فاقد توجه به زمینه نهادی و فرهنگی ایران و چالش‌های خاص پارک‌های علم و فناوری هستند. در حالی که با توجه به تفاوت‌های ساختاری، نهادی و زیرساختی ایران، نیاز به شناخت کیفی‌تری از اثرگذاری آموزش‌های کارآفرینی در این بستر احساس می‌شود (کاظمی، ۱۴۰۳؛ رضایی صدرآبادی، ۱۳۹۹).

با توجه به این کاستی‌ها، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، تلاش کرده است تا فهمی عمیق، زمینه‌مند و تفسیری از اثرات چندبعدی آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری ایران ارائه دهد. این رویکرد با منطق فلسفی تفسیرگرایی همخوان است و هدف آن، کشف سازوکارهای درونی و تعاملات پیچیده میان انگیزش فردی، اعتبار اجتماعی و محیط کارآفرینی در بستری بومی‌شده و خاص از نظر اجتماعی، فرهنگی و نهادی است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است؛ زیرا نتایج آن می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌ها و طراحی دوره‌های آموزشی در پارک‌های علم و فناوری کمک کند. از لحاظ ماهیت و روش، تحقیق کیفی از نوع تحلیل تماتیک است. تحلیل تماتیک^۲ یکی از پرکاربردترین رویکردهای تحقیق کیفی در حوزه‌های میان‌رشته‌ای مانند مدیریت و علوم اجتماعی است که هدف آن، شناسایی الگوها و تم‌های تکرارشونده در داده‌های متنی و استخراج مفاهیم معنادار از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

دلیل انتخاب این رویکرد، ماهیت اکتشافی و پیچیده موضوع تحقیق یعنی آموزش کارآفرینی اجتماعی و اثرات آن بر توسعه اقتصادی در بستر پارک‌های علم و فناوری است؛ مفهومی که نیازمند درک عمیق از تجربیات، انگیزه‌ها و ادراکات کنشگران واقعی در این حوزه است. برخلاف رویکردهای کمی که بیشتر به دنبال تحلیل رابطه بین محورها هستند، تحلیل تماتیک در اینجا امکان کشف ابعاد آموزش را فراهم می‌کند؛ از جمله مکانیزم‌های انگیزشی، آثار محیطی، و اعتبار اجتماعی ناشی از آموزش‌ها. جامعه پژوهش شامل متخصصان حوزه پارک‌های علم و فناوری در دو پارک علم و فناوری دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه علم و فرهنگ بوده است. برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند^۳ استفاده شد، زیرا هدف پژوهش تمرکز بر افرادی است که دانش، تجربه و بینش لازم نسبت به موضوع دارند. همچنین برای تکمیل نمونه‌ها و دسترسی به منابع غنی‌تر، از روش گلوله‌برفی^۴ استفاده شد تا هر مصاحبه‌شونده متخصص مرتبط دیگر را معرفی کند. در مجموع، ۱۰ متخصص شامل مدیران اجرایی پارک، مشاوران آموزشی، مدرسان دوره‌های کارآفرینی، پژوهشگران و مسئولان

1. Smith and Woodworth
2. Thematic Analysis
3. Purposeful Sampling
4. Snowball Sampling

برنامه‌ریزی توسعه مصاحبه شدند. این افراد دارای تحصیلات در حوزه‌های مدیریت، کارآفرینی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ارتباطات و برنامه‌ریزی شهری بودند و سابقه کاری بین ۲ تا ۸ سال در حوزه آموزش و توسعه اقتصادی در پارک‌های علم و فناوری داشتند. باتوجه به هدف پژوهش که تحلیل اثر آموزش کارآفرینی اجتماعی بر توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری است، انتخاب نمونه‌ها بر پایه مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در فرایندهای اثرگذار بر توسعه اقتصادی صورت گرفته است.

گرچه این افراد الزاماً اقتصاددان نیستند، اما باتوجه به اینکه در زمینه‌های آموزشی، اجرایی، توسعه برنامه‌های نوآوری، مدیریت منابع انسانی، مشاوره کارآفرینی و سیاست‌گذاری پارک‌ها فعالیت داشته‌اند، درک عمیق و تجربه میدانی از سازوکارهای توسعه در پارک‌ها دارند.

به‌ویژه، توسعه اقتصادی در بستر پارک‌های علم و فناوری، برخلاف توسعه در مقیاس کلان اقتصادی، بیش از آنکه صرفاً متکی به تحلیل کمی یا اقتصادسنجی باشد، وابسته به سازوکارهای سازمانی، آموزشی، انگیزشی و نهادی است. در همین راستا، این افراد به‌عنوان مدیر برنامه‌ریزی، مشاور توسعه کسب و کار، مدرس کارآفرینی، مدیر روابط عمومی یا پژوهشگر توسعه، با نحوه خلق ارزش اقتصادی از طریق آموزش و توسعه مهارت‌ها در پارک‌ها آشنایی مستقیم دارند. معیارهای انتخاب متخصصان نیز شامل سه عامل بود:

۱) سابقه فعالیت مستقیم در حوزه آموزش کارآفرینی یا توسعه اقتصادی در پارک‌ها

۲) تجربه اجرایی در طراحی یا ارزیابی برنامه‌های آموزشی

۳) توانایی در ارائه تحلیل انتقادی و ساختاری از وضعیت فعلی و چالش‌های موجود

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق بود که شامل پرسش‌هایی درباره نقش آموزش کارآفرینی اجتماعی در توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری می‌شد. این نوع مصاحبه به پژوهشگر اجازه می‌داد در عین پایبندی به ساختار کلی سؤالات، متناسب با پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، انعطاف‌پذیر عمل کرده و در صورت لزوم، سؤالات جدید یا پیگیری‌کننده مطرح کند.

علاوه بر مصاحبه، برای غنی‌سازی داده‌ها از پرسش‌نامه‌های باز، مشاهده غیرمستقیم، و بررسی مستندات (از جمله گزارش‌های رسمی، برنامه‌های آموزشی دوره‌ها، و اسناد سیاستی پارک‌ها) نیز استفاده شد. هر مصاحبه به طور میانگین حدود ۴۰ دقیقه به طول انجامید و تمام مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان، ثبت و سپس به صورت کامل پیاده‌سازی شد.

- «درستی و باورپذیری»^۱ محتوایی از طریق طراحی سؤالات نیمه‌ساختاریافته:

سؤالات مصاحبه پس از مطالعه ادبیات نظری و بررسی اسناد آموزشی پارک‌ها طراحی شدند و توسط دو متخصص حوزه کارآفرینی اجتماعی و پژوهش کیفی مورد بازنگری قرار گرفتند تا از جامعیت، تناسب و وضوح آن‌ها اطمینان حاصل شود. -تنوع مشارکت‌کنندگان:

مشارکت‌کنندگان از تخصص‌ها و نقش‌های متنوعی انتخاب شدند (مدیر اجرایی، مشاور، مدرس، پژوهشگر و...) تا یافته‌ها فقط به یک دیدگاه خاص محدود نباشد و تصویری جامع از تجربیات و برداشت‌های مختلف ارائه شود. «قابلیت اعتبار»^۲:

-مستندسازی کامل فرایند پژوهش:

کلیه مراحل پژوهش از جمله طراحی سؤالات، نحوه نمونه‌گیری، فرایند مصاحبه، کدگذاری و تحلیل داده‌ها به صورت گام‌به‌گام ثبت و مستند شده است تا امکان بررسی و بازتولید علمی آن فراهم باشد.

-استفاده از نرم‌افزار تخصصی (MaxQDA):

تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار MaxQDA انجام گرفت که با ایجاد شفافیت در کدگذاری، امکان ردیابی داده‌ها، و انسجام در تحلیل، از خطاهای ذهنی و سوگیری‌های فردی جلوگیری می‌کند.

-بازبینی مکرر کدها و تطبیق با داده‌های خام:

کدهای استخراج‌شده بارها با داده‌های اولیه (متن مصاحبه‌ها) تطبیق داده شدند تا از تطابق کامل آن‌ها با گفته‌های مشارکت‌کنندگان اطمینان حاصل شود.

فرایند تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA و بر پایه رویکرد تحلیل تماتیک انجام گرفت. مراحل تحلیل به شرح زیر بوده است:

آشنایی با داده‌ها: خواندن چندباره متن مصاحبه‌ها برای درک کلی و شناسایی الگوهای اولی

کدگذاری اولیه: استخراج مفاهیم کلیدی، گزاره‌ها و نکات برجسته از داده‌ها و انتساب کدهای اولیه.

طبقه‌بندی کدها: گروه‌بندی کدهای مشابه در قالب مقوله‌های مفهومی اولیه.

شکل‌گیری تم‌ها: تجميع مقوله‌ها در قالب تم‌های نهایی که نشان‌دهنده ساختار معنایی تأثیر آموزش کارآفرینی اجتماعی بر توسعه اقتصادی پارک‌ها هستند.

بازبینی و نهایی‌سازی تم‌ها: بررسی هم‌پوشانی تم‌ها، اصلاح یا ترکیب آن‌ها، و تدوین روایت منسجم از یافته‌ها.

تم‌های اصلی شناسایی شده شامل:

مکانیزم‌های انگیزشی فردی و محیطی ناشی از آموزش

تغییر در اعتبار اجتماعی و تصویر ذهنی پارک‌ها

آثار محیطی مانند گسترش شبکه‌سازی، خلق همکاری‌های بین‌رشته‌ای، و توسعه اکوسیستم نوآوری

اثرات اقتصادی مستقیم مانند افزایش اشتغال، خلق ارزش اجتماعی و جذب سرمایه

این روش‌شناسی به پژوهشگر امکان داد تا روابط پنهان و چندلایه بین آموزش و توسعه اقتصادی را از منظر متخصصان بازسازی و تبیین کند.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با ۱۰ نفر از متخصصان پارک‌های علم و فناوری، کارآفرینی اجتماعی و آموزش، نشان داد که دوره‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی تأثیرات گسترده‌ای بر توسعه اقتصادی پارک‌ها از طریق سه بعد اصلی داشته‌اند: مکانیزم‌های انگیزشی، اعتبار اجتماعی و تغییرات محیطی. این سه بعد در قالب سه تم اصلی و چندین مقوله فرعی در مصاحبه‌ها شناسایی شد که در ادامه به تفصیل ارائه می‌شود.

- مکانیزم انگیزشی: مصاحبه‌ها نشان داد که دوره‌های آموزشی نقش چشمگیری در افزایش انگیزه و اعتمادبه‌نفس کارآفرینان داشته‌اند. این بعد شامل مقوله‌های زیر است:

۱. ایجاد تعاملات گروهی و شبکه‌سازی

۲. ارائه بازخوردهای مؤثر از سوی مربیان

۳. معرفی الگوهای موفق و تجارب عملی

۴. استفاده از روش‌های نوین آموزشی (گیمیفیکیشن، کارگاه‌های عملی، آموزش ترکیبی)

متخصص ۱ در این باره تصریح کرد:

«برگزاری کارگاه‌های شبیه‌سازی باعث شده کارآفرینان احساس کنند ایده‌هایشان واقعاً قابلیت اجرا دارد، این انگیزه را چندبرابر می‌کند.»

همچنین متخصص ۵ اظهار داشت:

«روش‌های تعاملی مثل بازی‌سازی، کلاس‌های وارونه و پروژه‌محور جذابیت یادگیری را بالا برده و انگیزه کارآفرینان را برای مشارکت فعال افزایش داده است.»

معرفی کارآفرینان موفق نیز نقش مهمی داشته است. متخصص ۷ اشاره کرد:

«وقتی یک استارت‌آپ موفق که مسیر سختی را طی کرده، تجربیاتش را بازگو می‌کند، برای شرکت‌کنندگان الهام‌بخش است و باور آن‌ها به موفقیت را تقویت می‌کند.»

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها در راستای دیدگاه نظریه مک‌کلند مبنی بر آموزش‌پذیری انگیزه پیشرفت عمل کرده و زمینه افزایش اشتیاق و تلاش در مسیر کارآفرینی را فراهم آورده‌اند.

– ارتقای اعتبار اجتماعی پارک‌ها به‌واسطه برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی است. داده‌های مصاحبه نشان می‌دهد این اعتبار در قالب ۵ مقوله زیر تقویت شده است:

۱. پوشش رسانه‌ای موفقیت‌ها: رسانه‌ها در قالب خبرگزاری‌ها، شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های تلویزیونی، دستاوردهای استارت‌آپ‌ها و پارک‌ها را منعکس کرده‌اند.

متخصص ۸ در این باره تصریح کرد:

«موفقیت فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها، پوشش خبری گسترده‌ای داشت و باعث شد نام پارک به‌عنوان مرکز نوآوری در ذهن‌ها جا بیفتد.»

۲. افزایش تعداد استارت‌آپ‌های موفق و کسب جایگاه مرجعیت علمی: خروجی‌های این دوره‌ها اغلب تبدیل به کسب‌وکارهای موفق شده‌اند که جایگاه پارک را ارتقا داده است.

متخصص ۲ اظهار داشت:

«افزایش استارت‌آپ‌های قوی از دل این آموزش‌ها، نشانه‌ای برای جامعه شد که پارک مرجع علمی و نوآوری است.»

۳. جذب سرمایه‌گذاری و منابع مالی جدید: دوره‌های آموزشی باعث شده استارت‌آپ‌ها راحت‌تر جذب سرمایه کنند، که این امر به افزایش اعتماد مالی به پارک انجامیده است.

متخصص ۱۰ اشاره کرد:

«وقتی سرمایه‌گذاران خارجی می‌بینند استارت‌آپ‌های موفق در این پارک شکل می‌گیرند، اعتماد می‌کنند و منابع مالی بیشتری وارد می‌شود.»

۴. ایجاد شبکه‌های ارتباطی و افزایش تعاملات: دوره‌ها بستری برای شکل‌گیری ارتباطات حرفه‌ای و تعامل بین استارت‌آپ‌ها، پارک و نهادهای اقتصادی ایجاد کرده‌اند.

متخصص ۴ توضیح داد:

«ارتباطات شکل‌گرفته در این دوره‌ها، پارک را به پلی بین ایده‌ها و بازار تبدیل کرده است.»

۵. شهرت مدرسین و کیفیت آموزشی: حضور مدرسین باتجربه و کیفیت بالای آموزش‌ها، تصویری حرفه‌ای و معتبر از پارک‌ها در میان ذی‌نفعان شکل داده است.

متخصص ۷ بیان کرد:

«اساتید با رزومه‌های قوی که در این دوره‌ها تدریس می‌کنند، خودش به‌تنهایی اعتبار اجتماعی پارک را بالا برده است.»

این یافته‌ها در چارچوب نظریه‌های شومپیتر و بامول تحلیل می‌شود که اعتبار اجتماعی و نوآوری را مؤلفه‌های اساسی موفقیت کارآفرینی می‌دانند.

-آثار و تغییرات محیطی: دوره‌های آموزشی کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری تأثیرات قابل توجهی بر بهبود زیرساخت‌ها، فرایندها و فرصت‌های تجاری داشته‌اند. این تأثیرات به شرح زیر است

۱. بهبود زیرساخت‌ها و محیط‌های آموزشی

بر اساس گفته‌های متخصصین، بسیاری از پارک‌های علم و فناوری پس از اجرای این دوره‌ها، اقدام به تجهیز آزمایشگاه‌ها، ایجاد فضاهای کاری مدرن و به‌روزرسانی امکانات کردند.

«ما سعی کردیم بعد از این دوره‌ها، فضای کاری را به گونه‌ای بازطراحی کنیم که تعامل، خلاقیت و کار تیمی در استارت‌آپ‌ها بهتر شکل بگیرد» (متخصص ۳).

۲. ارتقاء زیرساخت‌های فنی و دیجیتال

این مورد شامل استفاده از فناوری‌های نوین برای برگزاری دوره‌ها، مدیریت پروژه‌ها و ارائه خدمات پشتیبانی است. «ما در پارک سیستم‌های جدید مدیریت آنلاین دوره‌ها را راه‌اندازی کرده‌ایم که باعث شد کیفیت آموزش و دسترسی شرکت‌کنندگان بهتر شود» (متخصص ۵).

۳. تغییرات فرهنگی و ارتقاء روحیه نوآوری

این مقوله به تغییر نگرش کارآفرینان نسبت به پذیرش ریسک، نوآوری و خلاقیت اشاره دارد. «بعد از این دوره‌ها، فضا خیلی بازتر شد، کارآفرینان کمتر از شکست می‌ترسند و بیشتر دنبال ایده‌های خلاقانه می‌روند» (متخصص ۶).

۴. افزایش تعاملات سازمانی و همکاری‌ها

همکاری‌های میان پارک، دانشگاه‌ها، نهادهای صنعتی و استارت‌آپ‌ها افزایش یافته و منجر به شکل‌گیری پروژه‌های مشترک و تبادل دانش شده است.

«جلسات مشترکی که با دانشگاه و صنایع برگزار می‌کنیم نتیجه همین آموزش‌هاست، حالا همه راحت‌تر با همکار می‌کنند» (متخصص ۲).

۵. توسعه فرصت‌های تجاری و شغلی

تسهیل فرایند تجاری‌سازی ایده‌ها، رشد بازار استارت‌آپ‌ها، جذب سرمایه و ایجاد مشاغل جدید در حوزه‌های نوآوری از نتایج این مقوله است.

«کارگاه‌های عملی باعث شد ایده‌ها خیلی سریع به مرحله اجرا برسند و حالا چند تا از استارت‌آپ‌های ما وارد بازار بین‌المللی شدند» (متخصص ۸).

۶. گسترش بازارهای محلی و بین‌المللی

دوره‌های آموزشی موجب ارتقا قابلیت رقابت استارت‌آپ‌ها در سطح ملی و بین‌المللی و توسعه بازارهای صادراتی شده است.

«ما الان به لطف همین آموزش‌ها و شبکه‌سازی، با شرکت‌های بین‌المللی همکاری داریم و محصولات دانش‌بنیانمان صادر می‌شود» (متخصص ۱۰).

-تأثیر دوره‌ها بر توسعه اقتصادی: دوره‌های آموزشی کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری تأثیرات اقتصادی قابل توجهی داشته‌اند، از جمله سه شاخص توسعه اقتصادی:

۱. ایجاد فرصت‌های شغلی: بسیاری از کارآفرینان پس از اتمام دوره‌ها کسب‌وکارهای جدیدی راه‌اندازی کرده‌اند که موجب اشتغال‌زایی در سطح محلی و فراتر از آن شده است.

با آموزش‌های ارائه شده، تعداد استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای نوپا افزایش یافت که به طور مستقیم موجب ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شد (متخصص ۳).

۲. افزایش سرمایه‌گذاری: استارت‌آپ‌ها با جذب سرمایه‌گذاران جدید و منابع مالی بیشتر، توانسته‌اند به بازارهای جدید وارد شده و توسعه کسب‌وکار خود را تسریع کنند. متخصص ۷ نیز تأکید کرد: شبکه‌سازی و آموزش‌های تخصصی به ما کمک کرد که پروژه‌های خود را به سرمایه‌گذاران معرفی کنیم و قراردادهای مالی بهتری ببندیم.

۳. تجاری‌سازی محصولات: محصولات نوآورانه طراحی شده در دوره‌ها به موفقیت‌های اقتصادی چشمگیری دست یافته‌اند که علاوه بر افزایش درآمد شرکت‌ها، اعتبار اجتماعی و تجاری پارک‌ها را نیز تقویت کرده است. متخصص ۵ تأکید داشت:

دوره‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی باعث شدند ایده‌های ما صرفاً در حد یک پروژه دانشگاهی باقی نمانند، بلکه یاد گرفتیم چطور آن‌ها را وارد بازار کنیم و برای آن‌ها مشتری واقعی پیدا کنیم. متخصص ۸ اظهار داشت: قبل از این دوره‌ها، خیلی از ایده‌ها در همان مرحله ابتدایی متوقف می‌شدند. حالا می‌دانیم چطور سریع نمونه اولیه بسازیم و وارد بازار شویم.

باوجود این دستاوردها، برخی چالش‌ها نیز مطرح شد که باید در طراحی و اجرای آینده دوره‌ها مدنظر قرار گیرد:

کمبود حمایت‌های مالی اولیه برای استارت‌آپ‌ها (متخصص ۶)
عدم تطابق کامل برخی دوره‌ها با نیاز واقعی بازار (متخصص ۹)
کمبود فرصت‌های مؤثر برای شبکه‌سازی میان استارت‌آپ‌ها (متخصص ۷)
محدودیت منابع آموزشی و تجهیزات در برخی مواقع (متخصص ۵)

درمجموع، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که دوره‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی با ایجاد مکانیزم‌های انگیزشی قوی، ارتقای اعتبار اجتماعی و بهبود زیرساخت‌های محیطی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی پارک‌های علم و فناوری داشته‌اند. بااین‌حال، بازنگری در محتوای برخی دوره‌ها و تقویت شبکه‌سازی می‌تواند اثربخشی آن‌ها را بیشتر کند.

جدول شماره ۱: خلاصه نظرات متخصصان بر اساس محورهای پژوهش

محور پژوهش	نکات کلیدی مطرح‌شده توسط متخصصان
مکانیزم‌های انگیزشی	اهمیت تعاملات گروهی در تقویت انگیزه اهمیت بازخوردهای مثبت و اصلاحی مربیان در تقویت اعتمادبه‌نفس الهام‌بخشی الگوهای موفق استفاده از روش‌های نوین آموزشی مانند کارگاه‌های عملی و شبیه‌سازی‌های واقعی ارتقای تصویر عمومی پارک‌ها از طریق ارائه دوره‌های تخصصی و موردنیاز بازار
اعتبار اجتماعی	افزایش تقاضا برای شرکت در دوره‌ها و تأثیر آن بر شناخته‌شدن پارک‌ها به‌عنوان مراکز علمی معتبر نقش‌پوشش رسانه‌ای مثبت در ارتقای جایگاه عمومی پارک‌ها تقویت تعاملات بین‌المللی پارک‌ها از طریق برگزاری دوره‌های مشترک بهبود زیرساخت‌های فنی و آموزشی پارک‌ها
آثار و تغییرات محیطی	تقویت روحیه نوآوری و خلاقیت میان کارآفرینان افزایش همکاری‌ها و تعاملات بین شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای صنعتی - آغاز پروژه‌های تحقیقاتی جدید در حوزه‌های فناوری اطلاعات و زیست‌فناوری افزایش اشتغال‌زایی از طریق کسب‌وکارهای جدید ایجادشده توسط فارغ‌التحصیلان دوره‌ها
توسعه اقتصادی	جذب سرمایه‌گذاران جدید به دلیل اعتماد بیشتر به توانمندی‌های پارک‌ها تجاری‌سازی موفق محصولات نوآورانه طراحی‌شده در دوره‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲: کدگذاری در نرم‌افزار مکس کیودا

ردیف	کدها	فراوانی کدها
۱	آموزش‌ها عملی	۸
۲	ارتباطات و تعاملات (با سایر شرکت‌ها، پارک‌ها، نهادها، بین‌المللی)	۱۴
۳	کارگاه عملی	۶
۴	تعاملات و مشارکت گروهی کارآفرینان	۹
۵	هدف‌گذاری مشخص و معنادار	۴
۶	مشاوره و پشتیبانی مربیان و مدرسین	۱۰
۷	آموزش بر اساس نیاز بازار، جامعه و کارآفرینان	۱۶
۸	مشاوره فردی	۴
۹	بررسی مشکلات	۲
۱۰	تجربیات کارآفرینان، مدرسین	۱۳
۱۱	تکنیک بازی‌های نقش‌آفرینی	۱
۱۲	محیط امن و حمایتی	۳
۱۳	فناوری دیجیتال و آنلاین به‌عنوان ابزار	۲
۱۴	مهارت و رهبری	۲
۱۵	خلاقیت	۲
۱۶	رسانه‌ها	۱۲
۱۷	کیفیت محتوای آموزشی	۸
۱۸	تعداد کارآفرینان	۹
۱۹	جذب منابع و سرمایه	۱۲
۲۰	تعداد پروژه‌ها	۸
۲۱	بازاریابی و تبلیغات	۱
۲۲	فرهنگ کارآفرینی	۳
۲۳	بهبود زیرساخت و کارایی	۵
۲۴	مهارت و توانمندی افراد	۱۳
۲۵	رقابت‌پذیری پارک‌ها	۳
۲۶	دوره‌های تخصصی	۴
۲۷	تدریس متنوع	۵
۲۸	فرصت شغلی	۱۱
۲۹	رشد اقتصادی	۱۵
۳۰	درآمد	۵
۳۱	شبکه‌سازی	۵
۳۲	اعتماد به نفس	۲
۳۳	آگاهی بخشی	۳
۳۴	بهبود تصویر عمومی (برندینگ)	۵
۳۵	نظرسنجی و پیشنهادها	۴
۳۶	شبیه‌سازی	۳
۳۷	تولید محصولات و خدمات	۱۰
۳۸	امکانات و تجهیزات	۴
۳۹	روحیه همکاری کارآفرینی	۴
۴۰	تجاری‌سازی ایده‌ها	۴
۴۱	توانمندی اقتصادی پارک‌ها	۱

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهند که دوره‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری تأثیرات قابل‌توجهی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی این مراکز داشته‌اند. این تأثیرات در سه محور اصلی مکانیزم‌های انگیزشی، اعتبار اجتماعی و تغییرات محیطی قابل‌بررسی است. در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، این مطالعه به طور جامع‌تری به بررسی تأثیرات چندبعدی این دوره‌ها پرداخته و خلأهای موجود در ادبیات موضوع را پر کرده است. این موضوع به‌ویژه در بستر ایران که با چالش‌های جدی در حوزه اثربخشی واقعی کارآفرینی اجتماعی و نبود زیرساخت‌های کارآمد مواجه است (بوسما و کلی، ۲۰۱۹؛ کاظمی، ۱۴۰۳)، اهمیت بیشتری دارد.

پژوهش‌های پیشین مانند کوراتکو و هادجتز (۲۰۰۴) و قره‌ککلی، امانی و موسویان (۱۳۹۲) بر اهمیت انگیزه در فرایند کارآفرینی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی تأکید کرده‌اند. با این حال، این مطالعات عمدتاً بر انگیزه‌های فردی و روان‌شناختی تمرکز داشتند و کمتر به نقش محیط‌های حمایتی مانند پارک‌های علم و فناوری در تقویت این انگیزه‌ها پرداخته‌اند. این پژوهش با بررسی نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد محیط‌های حمایتی و تقویت انگیزه‌های درونی کارآفرینان، خلأهای موجود در ادبیات را پر کرده است. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد روش‌های آموزشی تعاملی مانند شبیه‌سازی‌های کسب‌وکار (متخصص ۱) و بازی‌های نقش‌آفرینی (متخصص ۵) به‌طور مستقیم بر انگیزه و یادگیری مشارکتی تأثیرگذار بوده‌اند این یافته با نظریه مک‌کلند همسو است که آموزش را ابزاری کلیدی برای تقویت انگیزه پیشرفت می‌داند. مثال: "کارگاه‌های عملی با نظارت مستقیم، انگیزه کارآفرینان را برای اجرای ایده‌هایشان افزایش می‌دهد" (متخصص ۱). همچنین، مصاحبه‌ها نشان داد که حضور مربیان باتجربه و معرفی الگوهای موفق (متخصص ۷) به افزایش اعتمادبه‌نفس و خلاقیت کارآفرینان منجر شده است.

تم اول مکانیزم‌های انگیزشی شامل مقوله‌هایی مانند: ایجاد شبکه‌های ارتباطی، شبیه‌سازی‌های کسب‌وکار کارگاه‌های عملی، مدرسان با تجربه و الگوهای موفق، تکنیک‌های بازی‌سازی، آموزش‌های عملی و مشاوره فردی، تدریس متنوع و تعاملی. «این بُعد انگیزشی به‌طور خاص برای ایران اهمیت دارد، چراکه طبق گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ایران در شاخص‌هایی نظیر درک فرصت‌های بازار و تمایل افراد برای راه‌اندازی کسب‌وکار، پایین‌تر از میانگین جهانی قرار دارد (بوسما و کلی، ۲۰۱۹) بنابراین، طراحی اثربخش دوره‌های آموزش کارآفرینی اجتماعی می‌تواند نقش کلیدی در رفع این ضعف ایفا کند.» در زمینه اعتبار اجتماعی، پژوهش‌هایی مانند نصر و حاجی حسینی (۱۳۹۵) و فرش‌بخش‌پاشان (۱۳۹۷) بر نقش پارک‌های علم و فناوری در ارتقای اعتبار تجاری و جذب سرمایه تأکید کرده‌اند. با این حال، این مطالعات کمتر به تأثیر دوره‌های آموزشی کارآفرینی اجتماعی بر اعتبار اجتماعی پارک‌ها پرداخته‌اند. این پژوهش با استناد به مصاحبه‌ها (متخصص ۴ و ۸) تأکید می‌کند که دوره‌های آموزشی از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین کارآفرینان و نهادهای اقتصادی، اعتبار اجتماعی پارک‌ها را ارتقا داده‌اند. به‌عنوان مثال، یکی از متخصصان اشاره کرد:

«پوشش رسانه‌ای موفقیت‌های فارغ‌التحصیلان، تصویر پارک‌ها را به عنوان مراکز نوآوری تثبیت کرده است»

(متخصص ۸).

این یافته با نظریه‌های شومپیتر و بامول هماهنگ است که نوآوری و اعتبار اجتماعی را از عوامل کلیدی موفقیت کارآفرینی می‌دانند. همچنین، شاخص‌هایی مانند افزایش استارت‌آپ‌های موفق (متخصص ۲) و جذب سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی (متخصص ۱۰) به‌عنوان نتایج ملموس این اعتبار اجتماعی شناسایی شدند.

تم دوم اعتبار اجتماعی شامل مقوله‌هایی مانند: رسانه‌ها با پوشش اخبار، افزایش تعداد استارت‌آپ‌ها، شهرت مدرسین، جذب سرمایه‌گذاری و منابع مالی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی، کیفیت تدریس. در ایران، ضعف جدی در هدایت صحیح منابع کارآفرینی و نبود مدیران متخصص در پارک‌های علم و فناوری، موجب شده است که بخش قابل‌توجهی از اعتبار اجتماعی

این پارک‌ها تحت تأثیر قرار گیرد (کاظمی، ۱۴۰۳). بنابراین، ارتقای کیفیت آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی می‌تواند با پرکردن این خلأ، به بازسازی اعتبار اجتماعی پارک‌ها کمک کند.

در بعد آثار محیطی، تم‌هایی چون بهبود زیرساخت‌های آموزشی، تقویت تعاملات دانشگاه و صنعت، و توسعه روحیه نوآوری برجسته شدند. متخصص ۵ اظهار داشت: «ایجاد فضای کاری مدرن در پارک باعث شد کارآفرینان احساس کنند در یک محیط واقعی نوآورانه حضور دارند.» همچنین بهبود دسترسی به تجهیزات، توسعه همکاری‌های پژوهشی بین‌پارکی و استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی، از دیگر آثار ملموس محیطی گزارش شده‌اند. این یافته‌ها با مدل ویراواردانا و مورت (۲۰۰۶) که محیط را عامل کلیدی در رفتار کارآفرینی اجتماعی می‌دانند، هم‌راستا هستند. در مورد تغییرات محیطی، پژوهش‌هایی مانند ادمیستون (۲۰۰۴) و دیز و امرسون (۲۰۰۲) بر نقش محیط در تسهیل فرایند کارآفرینی تأکید کرده‌اند. در ایران، بررسی‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم گسترش پارک‌های علم و فناوری، اغلب این مراکز فاقد زیرساخت‌های نوآورانه کافی هستند و تعامل صنعت و دانشگاه همچنان ضعیف است (گل‌محمدزاده، ۱۳۹۲؛ کاظمی، ۱۴۰۳). به همین دلیل، توجه به تغییرات محیطی ناشی از دوره‌های آموزشی، یک مسیر عملی برای تقویت اکوسیستم کارآفرینی محسوب می‌شود.

در نهایت، تحلیل ادغام‌شده این سه بعد، نشان داد که آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی با تأثیرگذاری بر انگیزه، محیط و اعتبار پارک‌ها، توانسته‌اند به توسعه اقتصادی پارک‌ها کمک نمایند. مثال‌هایی چون راه‌اندازی استارت‌آپ‌های موفق پس از دوره‌ها (متخصص ۳)، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی (متخصص ۱۰) و افزایش اشتغال‌زایی (متخصص ۶) از جمله فکتهای تقویت‌کننده این اثرگذاری هستند. لازم به تأکید است که در ایران بیش از ۹۰ درصد کسب‌وکارها کوچک و متوسط‌اند اما سهم کمی در تولید ناخالص داخلی دارند و اغلب فاقد نوآوری هستند (بوسما و کلی، ۲۰۱۹). بنابراین، این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش‌های ساختارمند کارآفرینی اجتماعی، به‌ویژه در پارک‌های علم و فناوری، می‌تواند این فاصله را کاهش دهد و با ارتقای سطح نوآوری، سهم واقعی این کسب‌وکارها در اقتصاد ملی را افزایش دهد.

با این حال، چالش‌هایی چون عدم تطابق محتوای برخی دوره‌ها با نیاز بازار (متخصص ۹) و محدودیت فرصت‌های شبکه‌سازی مؤثر (متخصص ۷) به‌عنوان نقاط ضعف در تحلیل کیفی مصاحبه‌ها شناسایی شدند که نشان می‌دهد طراحی این آموزش‌ها نیازمند بازبینی‌های مستمر و انعطاف‌پذیری است. یکی از چالش‌های اساسی کارآفرینی در ایران آشنا نبودن بخش خصوصی با روش‌های تأمین مالی نوآورانه است، بسیاری از سرمایه‌گذاران در ایران به‌دلیل آگاهی نداشتن ترجیح می‌دهند که منابع مالی خود را در بازارهایی همچون مسکن یا ارز سرمایه‌گذاری کنند، به همین علت دولت باید در این زمینه آگاهی‌رسانی کند و بسترهایی را برای جذب سرمایه به سمت استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای نوپا فراهم آورد، کشورهایی همچون ایالات متحده و اروپا از سرمایه‌گذاران خطرپذیر برای حمایت از این کسب‌وکارها استفاده می‌کنند که این رویکرد باید در ایران نیز تقویت شود (کاظمی، ۱۴۰۳).

این پژوهش با ارائه تحلیلی چندبعدی، چارچوبی نظری-کاربردی برای تحلیل کارکرد آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری ارائه می‌دهد و پیشنهاد می‌کند مطالعات آتی، در کنار توسعه شاخص‌های تحلیل کیفی، به تحلیل تأثیرات بلندمدت این آموزش‌ها نیز بپردازند. یافته‌ها نشان می‌دهند که این دوره‌ها نه‌تنها بر انگیزه‌های فردی کارآفرینان تأثیرگذار بوده‌اند، بلکه به ارتقای اعتبار اجتماعی پارک‌ها و بهبود محیط‌های کارآفرینی نیز کمک کرده‌اند. همچنین، این دوره‌ها با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و افزایش توانمندی استارت‌آپ‌ها، به رشد اقتصادی پارک‌ها کمک کرده‌اند. با این حال، نیاز به بازبینی و بهبود در طراحی و اجرای برخی دوره‌ها وجود دارد تا نتایج بهتری حاصل شود. این پژوهش با ارائه دیدگاهی جامع‌تر، زمینه را برای تحقیقات آینده در حوزه کارآفرینی اجتماعی و توسعه اقتصادی فراهم کرده است.

تحقیقات انجام‌شده در این مطالعه به‌وضوح نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی اجتماعی در پارک‌های علم و فناوری دانشگاه علم و فرهنگ و دانشگاه علامه طباطبائی نقش حیاتی و مؤثری در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. این آموزش‌ها نه‌تنها به تقویت مهارت‌های کارآفرینانه و نوآورانه در میان شرکت‌کنندگان کمک می‌کند، بلکه با ایجاد بسترهای مناسب برای تعاملات اجتماعی و اقتصادی، به بهبود اعتبار اجتماعی و تصویر عمومی این پارک‌ها نیز منجر می‌شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مکانیزم‌های انگیزشی متنوعی، از جمله تعاملات گروهی، بازخوردهای مربیان، و معرفی الگوهای موفق، به طور مستقیم بر انگیزه کارآفرینان تأثیر می‌گذارد. این مکانیزم‌ها نه تنها به افزایش اعتمادبه‌نفس و خلاقیت کارآفرینان کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد شبکه‌های حمایتی و همکاری‌های بین‌المللی می‌شود. به علاوه، اعتبار اجتماعی پارک‌های علم و فناوری از طریق طراحی دوره‌های آموزشی تخصصی و تطابق با نیازهای بازار، به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این اعتبار به نوبه خود، موجب جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و تقویت روابط بین‌المللی می‌شود. علاوه بر این، آموزش‌های کارآفرینی اجتماعی تأثیرات مثبت و قابل توجهی بر زیرساخت‌های فنی و آموزشی پارک‌ها داشته است. بهبود امکانات پژوهشی، ایجاد فضاهای کاری مدرن و دسترسی به تجهیزات پیشرفته، همگی به افزایش کیفیت آموزش و تسهیل فرایندهای نوآورانه کمک کرده‌اند. این تغییرات به نوبه خود، موجب تقویت روحیه نوآوری و خلاقیت در میان کارآفرینان و پژوهشگران شده است و به رشد چشمگیر تلاش‌های نوآورانه و تجاری‌سازی ایده‌ها منجر گردیده است. از سوی دیگر، تأثیرات اقتصادی این دوره‌ها به وضوح در افزایش فرصت‌های شغلی، جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید و تجاری‌سازی محصولات نوآورانه مشهود است. بسیاری از کارآفرینان پس از اتمام دوره‌ها، کسب‌وکارهای جدیدی راه‌اندازی کرده‌اند که به طور مستقیم به اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی در سطح محلی و ملی منجر شده است. با این حال، چالش‌هایی نظیر عدم تطابق محتوای آموزشی با نیازهای واقعی بازار و کمبود فرصت‌های شبکه‌سازی مؤثر نیز وجود دارد که باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- ترکاشوند، ز. (۱۴۰۰)، *تئوری تخریب خلاق شومپیتر*، الگوی توسعه اقتصادی در شرایط بحرانی کرونایی و پس از آن، *مجله ترویج علم*، شماره ۲۰، ص ۱۳۰-۱۵۹.
- حسین‌زاده، ع.، بهمنی، س.، بندری، م. (۱۴۰۴)، *موانع اقتصادی رشد و بقای شرکت‌ها و واحدهای دانش بنیان در استان خوزستان*؛ یک مطالعه جامعه‌شناختی، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال سیزدهم، شماره دوم، ص ۳۲۶-۲۸۹.
- حسینی لرگانی، م.، میرعرب رضی، ر.، رضایی، س. (۱۳۸۷)، *آموزش کارآفرینی در هزاره جدید؛ زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی*، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۴، شماره ۴، ص ۱۱۹-۱۳۷.
- خدابخشی، ا.، گلزاری، ز. (۱۴۰۱)، *تأثیر کارآفرینی بر رشد اقتصادی ایران و کشورهای منتخب حوزه سند چشم‌انداز؛ مبتنی بر سیاست‌های کلی اشتغال*، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۱۰، شماره ۳۹، ص ۵۸۵-۵۶۴.
- داوودی، ه.، شعبانعلی قمی، ح.، کلانتری، خ. (۱۳۹۰)، *بررسی موانع توسعه فناوری‌های کشاورزی در پارک‌های علم و فناوری دانشگاه تهران*، *فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری*، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۰.
- رحیمیان، ح.، عباس‌پور، ع.، داوودی، د. (۱۳۹۵)، *تحلیل وضعیت ترویج کارآفرینی اجتماعی در نظام آموزش عالی ایران*، *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*، دوره ۵، ص ۱-۱۴.
- رضایی صدرآبادی، م. (۱۴۰۰)، *مروری بر وضعیت پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد در ایران*، *فصلنامه رشد فناوری*، سال هفدهم، شماره ۶۶، ص ۵۳-۶۲.
- سجادی، س. (۱۳۹۸)، *تأثیر انگیزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینی با نقش تعدیل‌کننده آموزش کارآفرینی*، تبریز، دانشگاه تبریز، پردیس‌های دانشگاه تبریز گروه مدیریت.
- سقای، م.، امینی نژاد، ر.، قاسمی زاده، س. (۱۴۰۳)، *تحلیل نقش پارک علم و فناوری در توسعه اقتصادی منطقه (مورد مطالعه: پارک پردیس تهران)*، *فصلنامه اقتصاد شهری*، دوره ۸، شماره ۱، ص ۸۴-۷۱.
- سلیمانی، م. (۱۳۹۱)، *بررسی پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری ایران با نگاهی بر رویکرد جهانی*، *فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد*، دوره ۸، شماره ۳۲، ص ۲-۱۰.
- شریف روحانی، ش.، عابد، ع. (۱۴۰۰)، *تأثیر گرایش به کارآفرینی اجتماعی بر موفقیت استارت‌آپ‌ها با تأکید بر شبکه روابط در بحران*، *کوبد-۱۹*، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و صنعت، ص ۵۷۳-۵۹۱.

شمس‌نیا، ع.، احمدی، ع.، افشار، م. (۱۳۹۰)، بررسی رابطه کارآفرینی و خلاقیت با میزان تحصیلات در کارکنان پارک‌های علم و فناوری شهرستان شیراز، **فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی**، دوره ۶، شماره ۴، ص ۱۶۹-۱۷۳.

عزیزی، م.، صباغیان، ز.، احمد پورداریانی، م. (۱۳۸۴)، بررسی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان، **فصلنامه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی**، سال چهارم، شماره ۱، ص ۱۶۳.

عزیزی، م.، طاهری، م. (۱۳۹۲)، تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد و ویژگی‌های کارآفرینانه دانشجویان، **فصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی**، شماره ۴، ص ۷۱-۸۲، <https://doi.org/10.22059/jfr.2017.206606.1006198>.

عمرانی طبرستانی، ز. (۱۳۹۵)، **اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر کارآفرینی اجتماعی در ایران از دیدگاه فعالان اجتماعی**، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حسابداری و مدیریت.

فرشی بخشایشان، ی. (۱۳۹۷)، **بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی پارک‌های علم و فناوری**، تهران، دانشگاه خوارزمی، دانشکده مدیریت.

قره‌ککلی، م.، امانی، م.، موسویان، ی. (۱۳۹۲)، آموزش کارآفرینی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، **همایش منطقه‌ای کارآفرینی و تجاری‌سازی**، دانشکده سما، واحد اسلام‌شهر.

گل محمدزاده، آ. (۱۳۹۲)، **تبیین اثر توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه بر افزایش کارآفرینی در تهران**، تهران، دانشگاه پیام‌نور، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری.

مرادی، ش.، رضایی، ب.، پایزن، ع. (۱۳۹۵)، شناسایی عوامل توسعه کارآفرینی از منظر کارآفرینان ایرانی، **مجله توسعه کارآفرینی**، دوره ۹، شماره ۳، ص ۵۱۳-۵۳۲.

محمّدی خیاره، س. (۱۳۹۷)، **بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در مراحل مختلف توسعه اقتصادی**، شاهرود، دانشگاه صنعتی شاهرود، دانشکده مهندسی صنایع و مدیریت.

نصر، ع.، حاجی حسینی، ح. (۱۳۹۶)، نقش پارک‌های علم و فناوری در توسعه نوآوری و فناوری، **رهیافت**، شماره ۶۵، ص ۳۷-۵۰.

نوبین، ا. (۱۳۹۶)، **بررسی اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی (رویدادهای کسب‌وکار) در پارک علم و فناوری شهر مشهد**، سیستان و بلوچستان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

ولی‌محمدی، س. (۱۳۹۴)، تأثیر متقابل فناوری اطلاعات بر کارآفرینی، **دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت**.

یگانگی، ک. (۱۴۰۲)، **مروری بر مفهوم کارآفرینی اجتماعی، رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی**، شماره ۳۴، ص ۹۲.

References

- Alharbi, J. Almahdi, H., & Mosbah, A. (2020). The impact of entrepreneurship education programs (EEPs) on the entrepreneurial attitudes among higher education students in Saudi Arabia. *International Journal of Management, Economics and Social Sciences*, 7(3).
- Baumol, W. J. (1993). *Entrepreneurship, management, and the structure of payoffs*. MIT Press.
- Dees, J. G., Emerson, J., & Economy, P. (Eds.). (2002). Strategic tools for social entrepreneurs: *Enhancing the performance of social enterprises*.
- Edmiston, K. D. (2004). *The role of small business in economic development*. Community Affairs Research Working Paper 2005-01, Federal Reserve Bank of Kansas City.
- Fan, X., Tian, S., Lu, Z., & Cao, Y. (2020). Quality evaluation of entrepreneurship education in higher education based on CIPP model and AHP-FCE methods. *Frontiers in Psychology*, 13, 2022.
- Kuratko, D. F., & Hodgetts, R. M. (2007). *Entrepreneurship: Theory, process, practice* (7th ed.).
- Martin, J. M. (2010). Stigma and student mental health in higher education. *Higher Education Research & Development*, 29(3), 259-274.
- Mair, J., & Marti, I. (2006). Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight. *Journal of World Business*.
- Ridley-Duff, R. (2008). Social enterprise as a socially rational business. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 14(5). <https://doi.org/10.1108/13552550810897669>
- Xinga, J. L., & Sharif, N. (2020). From creative destruction to creative appropriation: A comprehensive framework. *Research Policy*, 49, 104060.
- Zhang, Y., Duysters, G., & Good, M. (2014). The role of entrepreneurship education as a predictor of university students' entrepreneurial intention. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 10, 623-641.

Qualitative assessment of the role of social entrepreneurship education on improving economic development indicators of Allameh Tabatabaei Science and Technology Parks and Science and Culture Parks

Noushin Koushk Noei^{1*}  | Sasan Vadie²  | Amir Masoud Amirmazaheri³ 

1. Corresponding Author*, Department of Sociology, Faculty Social Sciences, University of Islamic Azad, TEHRAN, Iran. Email: N.koushknoei@iau.ir

2. Department of Sociology, Faculty Social Sciences, University of Islamic Azad, TEHRAN, Iran.

3. Department of Sociology, Faculty Social Sciences, University of Islamic Azad, TEHRAN, Iran.

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: 10 March 2025

Accepted: 30 September 2025

Published: August 2025

Keywords:

Econom Development,
Entrepreneurship Education,
Science and Technology
Parks, Social
Entrepreneurship.

ABSTRACT

Introduction: This research examines the impact of social entrepreneurship education on economic development in the science and technology parks of the University of Science and Culture and Allameh Tabatabaei University. The main objective of this study is to analyze the educational effects on economic development, identify effective motivational mechanisms, assess the social credibility of the courses, and analyze the resulting environmental changes. Social entrepreneurship plays a crucial role in sustainable development by creating job opportunities, reducing poverty, and empowering communities. Therefore, it is essential to investigate the impacts of social entrepreneurship education in science and technology parks, which are considered key platforms for supporting startups and social innovations

Methodology: This study employs a qualitative approach, collecting data through in-depth interviews with 10 experts in the field of science and technology parks. Data analysis was conducted using MAXQDA software, involving initial coding, code classification, and thematic analysis.

Results: The findings indicate that social entrepreneurship education enhances entrepreneurs' motivation through strengthening group interactions and providing effective feedback, thereby improving the spirit of innovation and developing supportive infrastructures. Additionally, these educational programs increase social awareness and enhance the credibility of entrepreneurs, facilitating new job opportunities and investment in social startups.

Conclusions: The results of this research demonstrate that social entrepreneurship education not only contributes to economic growth but also positively impacts social and cultural indicators. It is recommended that educational courses be designed according to the actual needs of entrepreneurs, and that financial and advisory support be increased. Strengthening interactions between universities, industry, and government institutions, as well as enhancing access to financial resources, are essential requirements for the development of social enterprises.

Cite this article: Koushk Noei, N., Vadie, S., Amirmazaheri, A.M., (2024). Qualitative assessment of the role of social entrepreneurship education on improving economic development indicators of Allameh Tabatabaei Science and Technology Parks and Science and Culture Parks. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (1), 136-154



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2025.66341.1858](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.66341.1858)